

# مجازات سکوت

افراد خاموش و ساکت و افرادی که احساس مسئولیت نکنند  
در همین جهان کیفر خواهند دید، کیفری دردناک

در جامعه شناسی هدف این است که با توجه به روش و طرز کار انسانها، در قرون و اعصار گوناگون و عکس‌المملهایی که از رفتار و اعمال مردم مشهود گشته، مطالعه تاریخ اقوام و ملل، و ملاحظه کنشها و واکنشها، و دقت در علل شکستها و پیروزیها و کامیابها و ناکامیها، قواعد کلی و قوانینی به دست بیاورند، که از این قانونها و قواعدها، به نفع جامعه خود بهره‌برداری نمایند.

براین مبنا این حقیقت مسلم است که: بسیاری از مصیبتها و بدبختیهای که دامنگیر جامعه می‌شود، عکس‌الععمل و نتیجه سکوت مردم است. در مقابل تباهیها، پستیها، ستمها و مفاسد می‌باشد.

رواج آلودگیها و آلودگان، روی کار آمدن بدکاران و فاسدان، تسلط، حکومت و اقتدار طاغوتها، ریاست و حکمروائی اشرار و بی‌مایگان، و اکثراً اعمال ناستوده‌ای است که در جامعه انجام می‌گیرد: از خوبان و نیکان تقدیر و تمجید نمی‌شود، نیکی و خوبی ترویج نمی‌گردد و اندیشمندان در مقابل مفاسد و منکرات و تبهاران، مهر سکوت بر لب می‌زنند! و یا زشت‌تر، با چاپلوسیها و تملقها، ستمگران و ناجوانمردان را در کار خویش ترغیب و تشویق نیز می‌نمایند! که اثر طبیعی اینگونه رفتارها و روشها، به فلاکت و بدبختی افتادن و محکوم بیدادگران و مستبدان شدن و بالاخره نابودی عدالت، شرافت و انسانیت ... خواهد بود!

## کیفر سکوت در قرآن:

قرآن با توجه کامل به این جهت و تجزیه و تحلیل زندگانی پیشینیان، عامل شکست‌ها و پیروزیها را تعیین می‌کند و با نقل داستانها و سرگذشتها، انسانها را به آن حقایق آشنا می‌سازد، و فرمان می‌دهد تا عبرت گیرند و از تجربیات گذشتگان بهره‌برادری نمایند. (۱)

همچنانکه قبلا نیز اشاره شد: قرآن عامل مهم و پایه‌ی اساسی پیروزیها و شکستها، اعمال و رفتار خود انسانها میدانند و نیکبختی و بدبختی هر قوم و ملتی را عکس‌العمل و واکنش قهری و نتیجه و اثر طبیعی کردار و کنشهای آنان می‌شمارد. که: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا قَوْمٌ حَتَّىٰ يَغْتَبِرُوا** و **أَمَّا بِأَنْفُسِهِمْ** (۲) خدا احوال هیچ گروه و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خود خویشتن را تغییر دهند.

پیروزی و شکست، مربوط به اعمال و رفتار یا سستی و ترک انجام وظایف خودشان می‌باشد.

و در جای دیگر می‌فرماید: **وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ آيَاتِكُمْ** (۳) هر مصیبتی که بر شما می‌رسد، نتیجه کارها و اعمال خود شما است.

\* \* \*

قرآن، یکی از علل شکستها و بدبختیهای جامعه را سکوت بی‌مورد و ترک قانون «امر به معروف و نهی از منکر» دانسته، در موارد گوناگون به این حقیقت تصریح و اشاره می‌کند.

: عده‌ای از بنی اسرائیل، عده‌ی دیگر را که در تباهی و فساد غوطه‌ور بودند نهی می‌کردند و قصد ارشاد و هدایت آنان را داشتند، بر اینان اعتراض شد که: چرا این افراد را بند می‌دهید و موعظه می‌کنید، در صورتی که خدا آنان را به هلاکت خواهد رسانید و بر اثر اعمال زشتشان، عذاب و کیفر سختی خواهد نمود!؟

در پاسخ گفتند: برای اینکه در پیشگاه خدا عذری داشته باشیم و به امید اینکه بر اثر گفته‌های ما «شاید» پشیمان گشته تقوی پیشه سازند.

ولی چون آنان همه تذکرات و پندها را فراموش کردند و «اعتنا نمودند» تنها آنان را که «نهی از منکر» نموده بودند، نجات دادیم و آنان را که از ستمکاران بودند و وظیفه

۱- **لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ** یوسف: ۱۱۱ **فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ** حشر: آیه ۲

۳- شوری ۳۰

۲- رعد: آیه ۱۳

«نهی از منکر» را انجام نمی‌دادند به عذاب بس دردناکی گرفتارشان نمودیم. (۱) در پیرامون این آیه چند نکته به خوبی روشن است:

۱- «عذاب و هلاکت» عکس العمل و نتیجه سکوت مردم در مقابل تبهاران و مفاسد می‌باشد:

۲- کسانی که خود از نیکان بوده‌اند ولی در مقابل ستمکاران و اعمال ناپسندشان سکوت کرده‌اند در زمره ناسقان و ستم پیشگان محسوب گشته، به عذاب الهی گرفتار شده‌اند.

۳- نجات، مخصوص کسانی گشته است که وظیفه خود را انجام داده و نهی از منکر نمودند و در مقابل معصیت، فساد و انحراف، آرام و بی تفاوت نبوده‌اند.

۴- این قانون مخصوص به اسلام یا زمان خاصی نیست، بلکه یکی از قوانین همیشگی و از برنامه‌های نظام آفرینش است و در گذشته بوده و برای همیشه باید باشد.

و در جای دیگری فرماید: کافران از بنی اسرائیل، مورد لعنت و نفرین داود و عیسی- بن مریم قرار گرفتند، به این جهت که: مخالفت امر خدا را نموده از حدود الهی تجاوز می- کردند، اینان در مقابل نهی از منکر دیگران، از کارهای زشت خود دست بر نمی‌داشتند

و خود هم نهی از منکر نمی‌کردند، به راستی کار بسیار زشت و ناپسندی را انجام می‌دادند! (۲)

و در مورد دیگری فرماید: چرا علماء و دانشمندان مسیحی و یهودی و زاهدان، آنانرا از دروغگوئی و خوردن اموال نامشروع «ربا خواری و رشوه گرفتن» نهی نمی‌کردند «راستی

چه کار زشتی را انجام می‌دادند؟!» که جلوی مفاسد را نمی‌گرفتند و نهی از منکر نمی- کردند؟! (۳)

در ذیل این آیه، از رسول اکرم (ص) نقل شده است که: اگر کسی بر ملت و جمعیتی بگذرد و آنانرا در معصیت و گناه و آلودگی ببیند و سکوت نماید و آنانرا از

عمل ناپسندشان منع نکند منتظر عذاب الهی باشد. (۴)

امام باقر (ع) فرموده است: خدا به شعیب پیامبر (ع) وحی فرمود که: صد هزار نفر

(۱) اعراف : ۱۶۴ - ۱۶۵ واذ قالت امة منهم لم تعظون قوما الله مهلكهم، او

معذبهم عذابا شديدا؟ قالوا معذرة الى ربكم ولعلمهم يتقون فلما نسوا ما ذكروا به انجبتا الذين ينهون عن السوء واخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس بما كان ينسفون.

۲- مائده: ۷۸-۷۹ لعن الذين كفروا من بني اسرائيل على لسان داود وعيسى بن مريم

ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون. كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا يفعلون

۳- مائده: ۶۳ لولا بناهاهم الربانيون والاحبار عن قولهم الاثم واكلهم السحت

لبئس ما كانوا يصنعون. ۴- تفسیر زواره ای

از قوم تورا به هلاکت خواهم رسانید! باینکه شصت هزار نفر از آنان نیکوکار و چهل هزار نفرشان بدکارند! عرضه داشت: بدکاران مستحق سزاوار هلاکت و نیکان چرا؟

پاسخ شنید که: چون نیکان با بدان معاشرت و آمیزش دارند و نشست و برخاست می-کنند، هم سفره هستند ولی آنانرا از کردار زشتان منع نمی کنند «با اتقا با آنان قطع رابطه نمی نمایند (۴) که مبارزه منفی و ترك معاشرت، یکی از راههای مبارزه و نهی از منکر است» در این آیه برخلاف آیه گذشته تعبیر به «قولهم الاثم» شده است و این تعبیر ممکن است، اشاره به این باشد که دانشمندان، موظفند مردم را هم از سخنان گناه آلود، بازدارند و هم از اعمال گناه، و باینکه «قول» در اینجا به معنی اعتماد است یعنی دانشمندان برای اصلاح اجتماع فاسد، نخست باید افکار و اعتقادات نادرست آنها را تغییر دهند، زیرا تا انقلابی در افکار پیدا نشود، نمی توان انتظار اصلاحات عمیق در جنبه های عملی داشت و به این ترتیب آیه، راه اصلاح فاسد را که باید از انقلاب فکری شروع شود به- دانشمندان، نشان می دهد.

و در پایان آیه، قرآن به همان شکل که گناهکاران اصلی را مذمت نموده، دانشمندان ساکت و ترك کننده امر به معروف و نهی از منکر را مورد مذمت قرار داده است و میگوید: وجه زشت است کاری که آنها انجام می دهند!

(لبس ما كانوا یصنعون)

و به این ترتیب روشن می شود که سرفوشت کسانی که وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر را ترك می کنند - بخصوص اگر از دانشمندان و علما باشند - سرفوشت همان گناهکاران است و در حقیقت شریك جرم آنها محسوب می شوند. از ابن عباس منسرمعروف نقل شده که می گفت: این آیه شدیدترین آیه ای که دانشمندان وظیفه شناس و ساکت را توبیخ و مذمت می کند.

در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می خوانیم: که در خطبه ای فرمود: اقوام گذشته به این جهت هلاک و نابود گشتند که مرتکب گناهان می شدند و دانشمندانشان سکوت می کردند، و نهی از منکر نمی نمودند، در این هنگام پلاها و - کيفرهای الهی بر آنها فرود می آمد، پس شما ای مردم! امر به معروف کنید و نهی از منکر نمائید، تا به سرفوشت آنها دچار نشوید:

و همین مضمون در نهج البلاغه در اوخر خطبه قاصه (خطبه ۱۹۲) نیز آمده است: «فان الله سبحانه لم یلعن القرن الماضي بین ایدیکم الا لتركهم الامر

بالمعروف و النهی عن المنکر فلعن السفهاء لركوب المعاصی و الحكماء  
لترك التناهی»

«خداوند متعال مردم قرون پیشین را از رحمت خود دور ساخت مگر بخاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک گفتند، عوام را به خاطر ارتکاب گناه و دانشمندان را به خاطر ترک نهی از منکر مورد لعن خود قرار داد و از رحمت خویش دور ساخت قابل توجه اینکه درباره توده مردم در آیه سابق (۱) تعبیر به **یعملون** شده و در این آیه، در مورد دانشمندان تعبیر به: **یصنعون** . می دانیم که «**یصنعون**» از ماده «**صنع**» به معنی کارهایی است که از روی دقت و مهارت انجام می گیرد ولی **یعملون** از ماده «**عمل**» است که به هر گونه کار گفته می شود اگر چه دقتی در آن نباشد، و این خود متضمن مذمت بیشتری است زیرا اگر مردم نادان و عوام، کارهای بدی انجام می دهند قسمتی از آن به خاطر نادانی و بی اطلاعی است، ولی دانشمندی که وظیفه خود را عمل نکند حساب شده، آگاهانه و ماهرانه مرتکب خلاف شده است، و به همین دلیل مجازات عالم از جاهل سنگین تر و سخت تر است!» (۲)

باز در جای دیگر می فرماید: در قرون گذشته آنان که پیش از شما میزیسته اند و دارای عقل و خرد نیز بودند، چرا جلوی فساد را نمی گرفتند و نهی نمی نمودند؟! و خدایت مردم هیچ قریه ای را باستم به هلاکت نمی رساند در صورتی که مردمی اصلاح طلب و صالح داشته باشد (۳)

با توجه به مطالب بالا و اصل تغییر ناپذیر «عکس العمل و واکنش» لازم است به این حقیقت توجه نمائیم که اگر فرد یا افرادی، عامل تعطیل شدن قانون «امر به معروف و نهی از منکر» شوند و جلوی ارشاد و هدایت مردم مخصوصاً زبان و قلم دانشمندان آگاه و دلسوز را بگیرند، تا چه اندازه به فرد و ملت و به همه انسانها خیانت کرده اند؟! چگونه با فرهنگ و اعتقادات و حیات مردم بازی کرده خود و آنانرا به هلاکت و نیستی کشانده اند.



۱- هر آیه ۶۲ سوره مائده می باشد: وَ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَسَارِعُونَ فِي الْأَثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمْ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

۲- تفسیر نمونه ج ۴ ص ۴۸۸

۳- هود: ۱۱۶-۱۱۷ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةً يَنْهَوْنَ عَنِ الْفِسَادِ فِي الْأَرْضِ . وَمَا كَانَ يَهْدِيكَ الْغُرَىٰ بُظْلِمٍ وَأَهْلِهَا مُصَلِحُونَ.